

فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری هویت محیط

دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۸

<http://www.ei-journal.ir>

صص. ۶۲-۴۹

تبیین و تحلیل راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده با رویکرد سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهر سنندج)

علی مروتی^۱، شیما نصیری

دانشجوی کارشناسی شهرسازی، واحد سنندج، مرکز علمی کاربردی جهاد دانشگاهی، سنندج، ایران (ali.morvati@yahoo.com)
دانشجوی دکترای شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (shima.nasiri99@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲۸/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۰۶

چکیده:

برای جلب مشارکت مردم و تقویت سرمایه اجتماعی در برنامه های شهری نیازمند ایجاد نظام ریزی مشارکتی خواهیم بود. به بیان دیگر، تنها در صورت مشارکت مردم است که برنامه ها و اقدامات بر اساس نیازهای واقعی مردم برنامه ریزی خواهد شد؛ و چون به وسیله خود مردم طراحی شده است، پایدار خواهد ماند، دست یابی به این مهم نیازمند ارزیابی راهبردهای سرمایه اجتماعی مشارکت مردمی در نوسازی بافت فرسوده می باشد. بافت فرسوده شهر سنندج در بخش مرکزی این شهر با در برداشتن عناصر تاریخی فراوان و حضور راسته های اصلی فعالیت و بازار در درون خود به عنوان قلب تپنده این شهر کانون توجه برنامه های ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده است. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل راهبردهای مشارکت مردمی در نوسازی بافت فرسوده با رویکرد سرمایه اجتماعی خواهد بود. روش این پژوهش توصیفی، تحلیلی بر اساس نوع داده ها و متغیرها، کیفی است. جامعه آماری، شامل ۳۸۵ نفر از شهروندان و ساکنان به صورت تصادفی بوده اند و داده های جمع آوری شده با استفاده از پرسشنامه وارد نرم افزار Spss گردید. سپس با استفاده از آزمون های آماری T تک نمونه ای و همبستگی پیرسون جهت تجزیه و تحلیل سوالات و فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. لذا در بررسی فرضیه های پژوهش به این نتایج می توان رسید که الگوی ترکیبی مشارکت گرا و کارکردگرا با توجه مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، تمایل ساکنین به مشارکت، تمایل گروه های سرمایه گذار به مشارکت، تمایل به ادامه سکونت، میزان ماندگاری داری اهمیت بوده و در واقع شاخص های کارکرد گرای و مشارکت مردمی توجیه پذیری می کند.

واژگان کلیدی: نوسازی، بافت فرسوده، مشارکت مردمی، سرمایه اجتماعی، سنندج.

نحوه استناد به مقاله:

مروتی، علی، نصیری، شیما. (۱۳۹۸). تبیین و تحلیل راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده با رویکرد

سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهر سنندج). فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری هویت محیط، (۱)، زمستان ۱۳۹۸، ۶۲-۴۹

http://www.ei-journal.ir/article_103165.html

۱- مقدمه

موضوع مشارکت مردمی در سال های اخیر هم از جنبه نظری و هم از بعد عملی بسیار مورد توجه بوده و نقش بسزایی در تهیه و اجرای طرح های توسعه شهری دارند. برای جلب مشارکت مردم در طرح های شهری باید نظام برنامه ریزی مشارکتی ایجاد کرد. به بیان دیگر، تنها در صورت مشارکت مردم است که برنامه ها و اقدامات بر اساس نیازهای واقعی مردم برنامه ریزی خواهد شد؛ و چون به وسیله خود مردم طراحی شده است، پایدار خواهد ماند. از طرف دیگر ارزیابی اهداف و راهبردهای مشارکت مردم و استفاده از سرمایه اجتماعی در روند تهیه طرح های ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده، آنان را توانمند خواهد ساخت تا مسائل و مشکلات خود را درک کرده، برای مسائل و مشکلات برنامه ریزی کنند و در اجرای برنامه سهیم شوند و بعد، خود آن را ارزشیابی کنند. ساماندهی و نوسازی شهری اساساً باید توسط مردم انجام شود و دستگاه های متولی باید هدایت کننده، برنامه ریز و سازمان دهنده باشند. یعنی ساماندهی محل توسط ساکنان با هدایت سازمانهای مداخله گر می باشد (احدنژاد و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹). شیوه مداخله در ساماندهی و نوسازی بافت های فرسوده فن سالارانه و اقتداری و از بالا به پایین با نگرش غیرمشارکتی و اجباری برنامه ریزان به مداخله و جابه جایی بوده است، و فقدان راهکارهای مشارکتی ساکنان، و امکان پذیری اندک یا بینابینی و متوسط مشارکت سرمایه گذاران نیز در آنها به چشم می خورد (جباری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۷). یکی از عوامل مورد نیاز برای تسریع در توسعه کالبدی و کارکردی شهر سنندج، نوسازی و ساماندهی بافت های شهری و به طور اخص بافت های فرسوده و مسأله دار این شهر است. بافت فرسوده شهر سنندج در بخش مرکزی این شهر با در بر داشتن عناصر تاریخی فراوان و حضور راسته های اصلی فعالیت و بازار در درون خود به عنوان قلب تپنده این شهر کانون توجه طرح ساماندهی بافت فرسوده بود است. محدوده اولیه بافت فرسوده شهر سنندج معادل ۹،۳۴۶ هکتار که از این میزان ۳،۱۷۶ هکتار آن بافت فرسوده واجد میراث شهری، ۹،۱۲۳ هکتار آن بافت فرسوده فاقد میراث شهری و ۷،۴۵ هکتار آن بافت فرسوده حاشیه ای تشخیص داده شده است. عدم توجه به جلب و افزایش مشارکت مردمی در تهیه طرح ها و پروژه های ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده در شهر سنندج و دخیل نکردن نظرات ساکنان و شهروندان و عدم بهره برداری واقعی از پتانسیل های موجود بلاخص سرمایه اجتماعی نهفته در دل این بافت ها جهت بالا بردن ریسک موفقیت و ایجاد سرزندگی و کارایی نهفته در بطن این جوامع خود دلیلی برناموفق بودن و عدم کارکرد اجرای بیشتر پروژه ها خواهد بود. این موارد متذکر اهمیت تغییر دیدگاه در تهیه و اجرای طرح ها مربوط به بافت فرسوده خواهد بود. هدف از نوسازی بافت های فرسوده شهری است، که بیانگر نیاز به تغییر در نقش ظاهری و درونی آن در جهت نیل به راهبردهای مشارکت مردمی با رویکرد سرمایه اجتماعی در تهیه و اجرا طرح های ساماندهی و نوسازی می باشد. بنابراین با توجه به متغیرها و معیارهای مشارکت مردمی «سرمایه اجتماعی» و «مشارکت در نوسازی بافت» مسأله اصلی پژوهش این است که آیا راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده با رویکرد سرمایه اجتماعی تا چه حد توان اجرایی شدن را دارد؟

۲- مبانی نظری

مشارکت شهروندان به عنوان نهضتی با هویت و سازمان یافته، به تجربه ی نوسازی شهری در آمریکا در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی باز می گردد. مشارکت به معنای شرکت داوطلبانه و ارادی مردم در فرایند توسعه است، و به معنی سهم در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و با آن همکاری داشتن است. از دیدگاه استقرایی به الگوهای مشارکت در جهان، می توان الگوهای مذکور را به سه دسته تقسیم بندی کرد: الف: مشارکت در تصمیم گیری و مدیریت ب: مشارکت در تأمین مالی هزینه انجام طرح ها ج: مشارکت در تأمین نیروی انسانی (موسوی، ۱۳۸۵: ۴). مشارکت مردمی عبارت است از دخالت مردم در ایجاد و مدیریت محیط های طبیعی و مصنوع خود؛ و ارزش مشارکت اجتماعی در آن است که از مرزها و آموزه های حرف های سنتی عبور می کند. کنش مشارکت اجتماعی بر پایه این اصل قرار دارد که اگر شهروندان فعال باشند. به جای آنکه با آنان به عنوان مشتریان منفعل رفتار شود و در خلق و اداره محیط های طبیعی و مصنوع خود دخالت کنند، آن گاه محیط دارای عملکرد بهتری خواهد بود (سانوف، ۲۰۰۰: ۱۲). پریسکولی مشارکت را در چهار سطح تعریف می کند (تصمیم سازی و موافقت با تصمیمات، تأثیرگذاری بر تصمیمات، شنیدن نظرات قبل از تصمیمات، آگاهی در مورد تصمیمات) (پرسولی، ۲۰۰۳: ۶۱). گاهی فرایند های مشارکتی منجر به توسعه اجتماعات محلی شده و منجر به توسعه ی از پایین به بالا می شود که زیر بنای آن

سازماندهی اجتماعات محلی و بسیج قابلیت های درونزای اجتماعی بوده که خود عامل بهره‌گیری از سرمایه های اجتماعی می‌شود (فنی و صادقی، ۱۳۸۸: ۶۱). با گسترش رویکرد شهرسازی نوین و طرح دیدگاه‌های توسعه پایدار اجتماعات محلی، توجه دولت ها و جوامع به ایجاد بسترهای مشارکتی برای افزایش تأثیرگذاری سطوح مختلف اجتماعی و ابعاد ملموس زندگی شهری بر طرح ها جلب، و ارزش های محله مینا و مفاهیمی چون احساس هویت و تعلق به مکان، مسئولیت پذیری، مشارکت جمعی و اصالت بخشی به نقش مردم، سرمایه های اجتماعی و توجه به نقش مشارکتی گروه های ذینفع و ذی نفوذ در طرح ها و پروژه های شهری دوباره مورد توجه قرار گرفت (اونیکس و بولن، ۲۰۰۰: ۱۰۶).

سرمایه اجتماعی نخستین بار در سال ۱۹۱۶م توسط هانیفان در دانشگاه ایالت ویرجینیای آمریکا به کار برده شد. از نظر هانیفان سرمایه اجتماعی شامل دارایی هایی است که در زندگی روزانه افراد وجود دارند، مانند حس تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس همدردی و روابط اجتماعی در بین افراد و خانواده هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می دهند (وولک، ۲۰۰۳: ۲۰). بعد از هانیفان سرمایه اجتماعی توسط جین جیکوبز در دهه ۶۰ میلادی به طور مفصل مورد توجه قرار گرفت؛ اما در این میان اولین تعریف معاصر سیستماتیک در مورد سرمایه اجتماعی توسط بورديو ارائه شد. وی سرمایه اجتماعی را از سایر سرمایه های اقتصادی، فرهنگی و نمادین متمایز ساخت و به ویژگی ساختاری آن اشاره کرد و برای آن تعاملاتی در نظر گرفت (بورديو، ۱۹۸۶: ۲۴۸). همچنین پاتنام سرمایه اجتماعی را به برخی ویژگی های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه های اجتماعی، هنجارها و اعتماد نسبت می دهد و معتقد است که این ها عواملی هستند که هماهنگی، همکاری و مساعدت جمعی را به منظور دست یابی به منافع مشترک تسهیل می کند (پوتنام، ۲۰۰۴: ۴). از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و پایین آمدن سطح هزینه های تبادلات را شامل می شود (فوکویاما، ۲۰۰۲: ۲۳). از نظر کولمن سرمایه اجتماعی قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط با یکدیگر است. وی همچنین معتقد است سرمایه اجتماعی هنگامی به وجود می آید که روابط میان افراد به شیوه ای دگرگون شود که کنش را تسهیل کند (کلمن، ۱۹۹۰: ۷۴). برای مفهوم سازی سرمایه اجتماعی از سه تئوری پیوندهای ضعیف، شکاف ساختاری و تئوری منابع اجتماعی استفاده می شود؛ تئوری پیوند ضعیف و شکاف ساختاری بر شبکه ارتباطات تأکید دارند و تئوری منابع اجتماعی بر محتوای روابط در شبکه های متمرکز می باشد. لذا سرمایه اجتماعی را به طور خلاصه می توان به معنای هنجارها و شبکه هایی دانست که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی را به منظور کسب سود متقابل فراهم می کند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۳۸). این نظریه دارای ابعاد مختلفی است که سنجش آن در مناطق شهری برای درک نحوه و چگونگی ارتباط بین بافت های شهری و همچنین شناخت ظرفیت آن ها بسیار مؤثر می باشد. چهار شاخص اساسی این تئوری که سنجش آن در بافت های مختلف شهری حائز اهمیت است شامل: اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و آگاهی اجتماعی است که هر یک دارای رابطه متعالی با یکدیگر بوده و هر کدام تقویت کننده دیگر است (کوکس، ۲۰۱۰: ۲). سرمایه اجتماعی دارای دو سطح است، یکی در سطح خرد: سرمایه اجتماعی در برگیرنده شبکه ها و هنجارهایی است که تعاملات بین افراد و خانوارها را تسهیل می کند. در سطح میانه و کلان، کارکرد نهادها، قواعد حقوقی و حکومت، سرمایه اجتماعی را می سازند. هر سطح یاد شده نفوذ عمده ای بر سیاست عمومی دارند (سوندسا، ۲۰۰۶: ۱۵). چهار بعد سرمایه اجتماعی در سطح خرد به شرح زیر مشخص و مورد بررسی قرار می گیرد:

۱. شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی؛ ۲. اعتماد؛ ۳. مشارکت؛ ۴. کنش های یاریگرانه (ستون، ۲۰۰۸: ۱۸). فوکویاما در تعریف دیگری سرمایه اجتماعی را مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیررسمی می داند که اعضای گروهی که تعاون و همکاری میان شان مجاز است در آن سهیم و ذینفع هستند (فوکویاما، ۲۰۰۱: ۳۳). سرمایه اجتماعی شامل منابع مفید قابل دسترس برای کنش گران است که از طریق روابط اجتماعی آنها حاصل میشود و به یک فرد یا گروه اجازه میدهد تا شبکه ی پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده ی آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند (علیپوردی نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

مفهوم بافت فرسوده شهری را می توان تنزل شرایط اجتماعی، اقتصادی و کالبدی بافت شهری دانست. به طور کلی کاهش کارایی هر پدیده‌های، فرسودگی آن را در پی دارد. هنگامی که در محدودهای از شهر، حیات آن به هر علتی رو به رکود می رود، بافت شهری آن محدوده در روند فرسودگی قرار می گیرد (رزماری، ۲۰۰۵: ۹). مراد از

فرسودگی، ناکارآمدی و کاهش کارایی یک بافت نسبت به کارآمدی سایر بافت های شهری است. فرسودگی بافت و عناصر درونی آن یا به سبب قدمت و یا فقدان برنامه توسعه و نظارت فنی بر شکل گیری آن بافت به وجود می آید (لوسیم، ۱۹۹۶: ۷۹). فرسودگی از ابعاد متعددی برخوردار است که با یک دیگر ارتباط و پیوند متقابل دارند، اما مهمترین ابعاد فرسودگی عبارتند از: - فرسودگی کالبدی - سازه ای: فرسودگی که از افت کیفیت کالبدی بنا یا بافت ناشی می شود، که می تواند عوامل مختلفی که سبب این نوع فرسودگی میشود شامل: عدم نگهداری بنا یا نگهداری نامناسب و نامطلوب فضا.

- فرسودگی کارکردی: این نوع فرسودگی زمانی اتفاق می افتد که بافت برای کارکردی که به خاطرش طراحی شده، برای استفاده، مناسب نباشد.

- فرسودگی نسبی یا اقتصادی: در اغلب موارد، فرسودگی یک مفهوم مطلق نیست بلکه در ارتباط با سایر ساختمانها و گستره ها همیشه مفهومی نسبی دارد. بنابراین زمانی که مردم قدرت خرید و سرمایه داشته باشند ولی خارج از محدوده بافت تاریخی سرمایه گذاری کنند، در آن زمان است که مفهوم فرسودگی نسبی یا اقتصادی مطرح می شود و دلیل آن به خاطر این است که هزینه سرمایه گذاری در محله تاریخی بیشتر از نقاط دیگر است و برای سرمایه گذاری از جذابیت کمتری برخوردارند (الوین، ۱۹۷۰: ۶۵). بافت های فرسوده امروزه با توجه به روندهای نوگرایی و فرانوگرایی در حال جریان در بستر کالبدی و فرهنگی شهرها، بافت های ناکارآمد و چالش آفرین برای مدیریت و برنامه ریزی در شهرها قلمداد می شوند (رجب زاده و غفاری، ۱۳۹۴: ۱۰۸). احیاء و نوسازی بافت های فرسوده ی شهری را لازمه ی حیات شهری و در نظر گرفتن آینده ای پویا و چشم انداز روشن برای آن دانسته اند (دینک و میتکویچ، ۲۰۰۸: ۱۲۷). برنامه نوسازی شهری دنبال کننده سیاست های چارچوب توسعه شهری و استراتژی توسعه دولت ملی می باشد. در برخی از کشورها، برنامه نوسازی شهری از نوع سیاست پایین به بالا، همراه با رویکرد مردم محور، توسعه اجتماعی، اقتصادی و محلی می باشد (روفس و همکاران، ۲۰۱۶: ۲). نوسازی شامل سلسله اقداماتی است که به منظور بهبود کالبد، که در نتیجه فرسایش فعالیت تحقق یافته است، در کوتاهمدت صورت می پذیرد. در واقع بهسازی زمانی صورت می گیرد که فرسودگی نسبی فضا از لحاظ عملکردی حادث شده باشد. بدین ترتیب می توان گفت بهسازی فرایندی که طی آن می توان به بهبود وضعیت فضا، مجموعه و بناهای نه چندان مطلوب موجود پرداخت و با تغییر عملکرد و معاصر سازی، سازمان فضایی مطلوب را ایجاد کرد (حبیبی، ۱۳۸۹: ۱۹). بسیاری از اقداماتی که در دهه های اخیر در معاصر سازی و بازآفرینی انجام می شود، در گذشته در قالب عناوین و روش های دیگر هم صورت گرفته، اما به عنوان یک برنامه عمل در یک بازه زمانی، این روش مجموعه اقدامات هدفمندی را با منابع مالی مشخص و دستاورد کاران معین معرفی می کند (بنیادی، ۱۳۹۱: ۷۶). یعنی باز گرداندن حیات مجدد به بنا یا فضا و احیاء، با تاکید بر تغییر شکل فضا یا مجموعه شهری (اسمیت، ۱۹۹۶: ۸۵). طرح های بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده در نخستین سال های شروع اصلاحات فیزیکی شهری و مداخلات در بافت های قدیمی شهرها در دوره پهلوی اول به صورت طرح ها و پروژه های نوسازی بافت های فرسوده مطرح گردیدند. و مطابق با یک طرح جامع طراحی شدند. این طرح ها با تصویب ماده ۱۱۱ قانون شهرداری الحاقی به قانون مصوب ۷ آذر ۱۳۴۷، مشکل قانونی به خود گرفته، ولی به لحاظ وجود مشکلات قانونی در خصوص تملک اراضی و نیز تنگناهای مالی و اجرایی شهرداریها، به جز در موارد معدودی جامه عمل نپوشیدند (مهندسین مشاور شارمند، ۱۳۷۸: ۶۵).

موضوع نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهرها در یکی دو دهه اخیر مورد توجه برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گرفته و کم و بیش اقدامات هایی هم در این زمینه صورت گرفته است (درودی و خوشاب، ۱۳۹۳). نظریات بهسازی، نوسازی و بازآفرینی بافت های کهن و قدیمی شهرها، گاه به طور صریح و گاه به طور ضمنی در تفکرات برخی اندیشمندان نظیر اوژن و یوله لودوک (۱۸۷۹-۱۸۱۴)، جان راسکین (۱۹۰۰-۱۸۱۸)، کامیلیو بویی (۱۹۱۴-۱۸۳۶)، فردریش انگلس (۱۸۹۵-۱۸۲۰)، امیل زولا (۱۹۰۲-۱۸۴۰)، کامیلیوسیته (۱۹۰۳-۱۸۴۳)، لوکوربوزیه (۱۹۶۵-۱۸۷۷)، ابنزهاوارد (۱۹۲۸-۱۸۵۰)، لوئیز مامفورد (۱۹۹۰-۱۸۹۵)، آلدولثوپلو (۱۹۴۸-۱۸۸۷)، جین جکوبز (۲۰۰۶-۱۹۱۶)، کوین لینچ (۱۹۸۴-۱۹۱۴)، ریچارد راجز و برخی دیگر ارائه شده است. در حوزه نوسازی می توان به تجربیات محلات جهانگیر، کوزگونجوک، دره دیکمن در ترکیه (نیل ازون، ۲۰۰۳)، برونزویل شیکاگو (درک وهری، ۲۰۰۸) منطقه برچی در

فرانسه و سوری در لندن (سوزی، ۲۰۰۱) و کلان شهر بیلباتو در اسپانیا (لوپز، ۲۰۱۰) اشاره کرد. در مطالعات داخلی نیز می توان به تجربیات محلات مختلف تهران مانند محله سیروس (اکبرپور و همکاران، ۱۳۹۰) محله شهید خوب بخت (آقاصفیری و حاتمی نژاد، ۱۳۸۹) محله دولاب (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰) و شهرهای یزد (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸) بابل (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸)، محله سرشور مشهد (رهنما، ۱۳۷۵) و بهشهر (میرکتولی، ۱۳۹۱) اشاره کرد. غالب تحقیق های مرتبط با بافت های به اصطلاح فرسوده به دنبال یافتن راه حل بهینه برای معضلات این محلات شهری هستند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳؛ جهانیان و پژوهان، ۱۳۹۰؛ عباس زادگان، ۱۳۸۳). برخی دیگر تحلیلی در خصوص وضع موجود آن ها فارغ از ارزیابی اجرای سیاست های شهری ارائه می دهند (صابر و احمدی نژاد، ۱۳۹۰؛ ریسمانچیان و بل، ۱۳۹۰). دسته دیگر تحقیقات بر سیر تاریخی و تکاملی سیاست های شهری در این بافت های شهری تمرکز کرده اند (عندلیب، ۱۳۸۶؛ محمدیان، ۱۳۹۵).

۳- داده ها و روش شناسی

پژوهش حاضر بر اساس نوع داده ها و متغیرها، پژوهشی کیفی و کاربردی است. روشی که در این پژوهش به کار گرفته شده با توجه به کنکاش و تحلیل راهکارهای مشارکت مردمی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی به صورت توصیفی-تحلیلی با استفاده از مطالعات اسنادی، کتابخانه ای و میدانی است. متغیرهای دوگانه پژوهش در قالب پرسشنامه طیف لیکرت صورت بندی و در اختیار جامعه نمونه قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق، شامل ۳۸۵ نفر از شهروندان و ساکنان به صورت تصادفی بوده اند. داده های جمع آوری شده با استفاده از پرسشنامه وارد نرم افزار Spss گردید. در ابتدا اطلاعات توصیفی در ارتباط با پاسخگویان از پرسشنامه استخراج گردید. در این پژوهش برای تعیین معیارها و زیرمعیارها از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است، سپس با استفاده از آزمون های آماری تی تک نمونه ای و همبستگی پیرسون جهت تجزیه و تحلیل سوالات و فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱- متغیرهای پژوهش

جایگاه موضوع و تحلیل راهکارهای مشارکت مردمی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده با رویکرد سرمایه اجتماعی همچنین معیارهای مشارکت مردمی «سرمایه اجتماعی» و «مشارکت در نوسازی بافت» در ساماندهی و نوسازی بافت های فرسوده نیز به عنوان پارامترهای اصلی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند. لذا متغیر مستقل تحقیق با توجه به موضوع پژوهش، جایگاه راهکارها و اهداف مشارکت مردمی با رویکرد سرمایه اجتماعی و متغیر وابسته ساماندهی نوسازی بافت فرسوده با توجه به معیارها و زیر معیارهای پژوهش است. جدول شماره (۱).

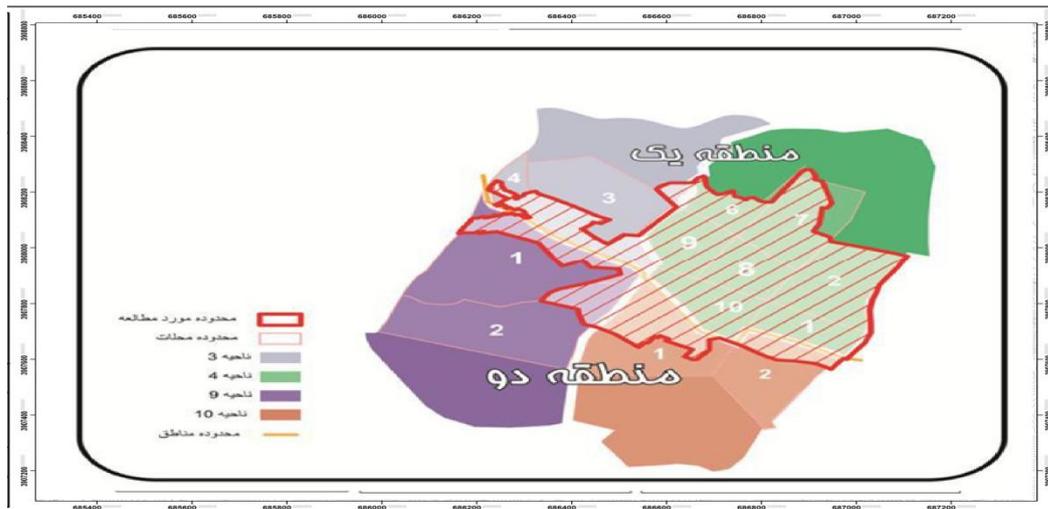
جدول ۱- تعیین معیارها و زیر معیارهای مفهومی پژوهش

معیارهای اصلی	زیر معیارها
سرمایه اجتماعی	مشارکت اجتماعی
	انسجام اجتماعی
	تمایل به ادامه سکونت
	میزان ماندگاری
مشارکت در نوسازی بافت	تمایل ساکنین به مشارکت در نوسازی
	تمایل گروه های سرمایه گذار به مشارکت در نوسازی

(مأخذ: نگارنده گان، ۱۳۹۸)

۴- محدوده مطالعاتی

محدوده مطالعاتی بافت فرسوده شهر سنندج در مرکز شهر سنندج واقع شده و محصور در میان خیابان های طالقانی، شیخ عطار، کشاورز، مستوره اردلان و اتوبان کردستان می باشد، این محدوده دارای مساحتی در حدود ۱۸۴۷۹۵۲ مترمربع است که حدود ۴ درصد از محدوده کل شهر را شامل می شود. بافت فرسوده شهر سنندج به صورت محدوده ای متصل و یکپارچه در بخش مرکزی شهر سنندج، در مناطق شماره یک و دو شهری سنندج واقع شده است. بزرگترین بخش این محدوده در ناحیه ۴ منطقه یک شهر سنندج شامل میدان انقلاب، محدوده بازار، محلات سرتپوله، آقازمان، چهارباغ، باشگاه افسران و ناوجار واقع شده است که عمده آن بافت قدیمی شهر را دربرمی گیرد و واجد آثار میراثی متعدد است. سایر محدوده های بافت فرسوده شامل محدوده های محله قطارچیان و ژاندارمری، در نواحی شماره ۹ و ۱۰ منطقه ۲ شهر سنندج می باشد که از مساحت کمتری نسبت به محدوده مرکزی برخوردار است. به طور کلی محدوده های مورد مطالعه ۱۲ محله از ۸۹ محله شهر و ۴ ناحیه از نواحی ۲۱ گانه شهر را دربرمی گیرد (مهندسین مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۸). شکل شماره (۱).



شکل ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه (ترسیم: نگارندگان) مهندسین مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۸

۵- بحث و یافته ها

در خصوص طرح ساماندهی بافت فرسوده شهر سنندج، توجه دقیق و کامل به وضعیت قانونی موجود شهر سنندج، طرح ها و برنامه های تهیه شده بالادست که راهبردها، سیاست ها و تصمیمات اتخاذ شده در آنها، حوزه مداخله طرح را تحت تأثیر قرار می دهد، باعث می گردد تا میزان اطمینان از تحقق پذیری طرح ساماندهی بافت فرسوده شهر سنندج افزایش یابد و از بروز مشکلات و تعارضات در مراحل مختلف تصویب و اجرای طرح جلوگیری گردد. بدین منظور کلیه اسناد و طرح های مصوبی که حوزه مکانی مورد مداخله و یا موضوع مورد مطالعه آنها، حوزه مداخله طرح را شامل می گردد، تحت عنوان اسناد فرادست مورد مطالعه قرار می گیرند. اسناد جامع فرادست در طرح ساماندهی محدوده بافت فرسوده شهر سنندج که مقیاس فضایی مورد مداخله آنها کل محدوده قانونی شهر سنندج را شامل می شود، به شرح جدول شماره (۲) می باشد:

جدول ۲- اسناد جامع فرادست و موضوعی طرح ساماندهی محدوده بافت فرسوده شهر سنندج

اسناد فرادست	اسناد موضعی و موضوعی مرتبط
<ul style="list-style-type: none"> • طرح تفصیلی شهر سنندج، مهندسين مشاورفرازا، (۱۳۷۳) • طرح توسعه و عمران شهر سنندج، مهندسين مشاور تدبيرشهر (۱۳۹۰) • بازنگری طرح تفصیلی شهر سنندج، مهندسين مشاور تدبيرشهر (۱۳۹۱) 	<ul style="list-style-type: none"> • ساماندهی مرکز تاریخی فرهنگی شهر سنندج (مهندسين مشاور زادبوم (۱۳۸۴) • ضوابط و مقررات معماری و شهرسازی بافت تاریخی و ارزشمند سنندج، مشاور فن آوران باروساز زاگرس (۱۳۸۸) • طرح تفصیلی ۱۳ هکتاری بافت قدیم شهر سنندج مهندسين مشاور طرح و بنا (۱۳۸۷) • طراحی شهری گذر سرتپوله، مهندسين مشاور بوم نگار پارس (۱۳۸۵)

(مأخذ: مهندسين مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۸، نگارندگان، ۱۳۹۸)

۶- بررسی راهبردهای کلان ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده سنندج

هدف کلان در بافت فرسوده شهر سنندج در زمینه «اجتماعی و جمعیتی» در برگیرنده «افزایش مشارکت و ارتقاء پیوندهای اجتماعی ساکنین محدوده بافت فرسوده» که برای دست یابی به این هدف راهبرده و سیاست های «اجتناب از توسعه مسکونی صرف- توزیع بهینه جمعیت در درون بافت- توصیف طرح نهایی مداخله با کمک مردم و اخذ نظرات تمامی کنشگران محلی- پیش بینی عرصه هایی برای مراسم و فعالیت های ویژه ساکنین - پیش بینی نیازهای مرتبط با جمعیت به خصوص در ارتباط با اوقات فراغت و آموزش- شناسایی نیازهای ساکنین و اولویت بندی آنها- تأکید بر تقویت ابعاد اجتماعی طرح و هماهنگی بین بخشی در فرایند مداخله - رفع مشکلات مربوط به خدمات و امکانات بویژه مسکن- توجه به راهکارهای ضوابط و مقررات کالبدی جهت تمایل ساکنین به نوسازی» پیش بینی شده است. جدول شماره (۳).

از آنجایی که محدوده مرکزی شهر سنندج دارای بافت های گوناگونی است و هر بافت شرایط خاص خود را داراست و مدیران شهری نیز بالتبع با چالش هایی در ارتباط با این بافت ها سر و کار دارند می توان بیان نمود که با استفاده از نظرات ساکنین و اختیارات مدیران شهری ترتیبی اتخاذ نمود که در بهترین حالت مشکلات هر یک از این پهنه ها شناسایی شده و در جهت رفع آنها با مشارکت مردم و در قالب کارگروه هایی اقداماتی فعال، منسجم و منظم صورت پذیرد. با توجه به سه گونه بافت موجود سکونتگاهی غیر رسمی، تاریخی و میانی می توان بیان نمود که نوع مشارکت در هر یک از این بافت ها متفاوت خواهد بود. با توجه به مطالعات انجام شده ساکنین محدوده مطالعاتی نوع مشارکت شان در سطح سنتی بوده و از هرگونه مشارکت جدید و یا مشارکت اقتصادی و مالی بر حذر می باشند. شاید یکی از مهمترین دلایل آن در اظهارات ساکنی عدم توانایی مالی باشد ولی مطمئنا تمام ساکنین در این مقال نمی گنجند و عدم آگاهی آنها از اینکه چگونه در فعالیت یا پروژه ای مشارکت کنند که بازگشت سرمایه به همراه اصل سرمایه نیز داشته باشند به عنوان یکی از مهمترین تهدیدات امر مشارکت ساکنین در تهیه طرح های توسعه شهری به شمار می رود (مهندسين مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۸).

ساماندهی و نوسازی محدوده بافت فرسوده شهر سنندج

اهداف عملیاتی	راهبرد
<p>- فراهم سازی بسترهای جلب مشارکت مردمی</p> <p>- برقراری ارتباط میان ساکنین و مسئولین</p> <p>- بهبود وضعیت تراکم جمعیت در محله با تاکید بر حفظ جمعیت موجود</p> <p>- کاهش ناهنجاری های اجتماعی و فضاهای مسبب ناهنجاری ها</p> <p>- اجرای فرایند نوسازی و بهسازی مشارکت ساکنان و گروههای ذی نفع متناسب با خواسته ها و اولویتهای ساکنان</p>	<p>- توصیف طرح نهایی مداخله با کمک مردم و اخذ نظرات تمامی کنشگران محلی</p> <p>- تامین مسکن مناسب با توجه به تعداد جمعیت در آینده</p> <p>- پیش بینی عرصه هایی برای مراسم و فعالیتهای متنوع ویژه ساکنین</p> <p>- تأکید بر تقویت ابعاد اجتماعی طرح و هماهنگی بین بخشی در فرایند مداخله</p> <p>- رفع مشکلات مربوط به خدمات وامکانات به خصوص مسکن</p> <p>- شناسایی نیازهای ساکنین و اولویت بندی آنها</p> <p>- تأکید بر تقویت ابعاد اجتماعی طرح و هماهنگی بین بخشی در فرایند مداخله</p> <p>- توجه به راهکارهای ضوابط و مقررات کالبدی جهت تمایل ساکنین به نوسازی</p> <p>- ترغیب و تشویق ساکنین به نوسازی املاک شخصی</p> <p>- ایجاد بستر مناسب برای فعالیت های مشارکتی</p> <p>- ارتقاء مشارکت مردمی در تامین خدمات زیر بنایی و اجتماعی</p> <p>- شناسایی نیازهای ساکنین و اولویت بندی آنها</p>

(مأخذ: مهندسین مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۸، نگارندگان، ۱۳۹۸)

به طور کلی نحوه مداخله در سطوح مختلف بافت با نوع بالا، متوسط و پایین در سطح محدوده مطالعاتی متنوع می باشد. عموماً در بخش هایی که سطح مداخله پایین می باشد بالتبع سطح مشارکت مناسب می باشد و لزوم توجه به امر مشارکت می تواند در این پهنه ها با روند مناسبی انجام شود و ساکنین با توجه به آگاهی خود زمینه مشارکت در امور فعالیت ها را راحت تر درک کرده اند. بیشترین توجه به مقوله مشارکت در پهنه های با مداخله بالا و متوسط می باشد که ساکنین به این مقوله توجه نکرده و آن را فراموش کرده و از آن دوری می کنند. بالتبع در این زمان می بایست شرایطی فراهم شود تا ساکنین بتوانند مقوله مشارکت را لمس کرده و در برنامه های نوسازی و امور مرتبط با عمران و آبادانی محله خود مشارکت داشته باشند که این امر می تواند با تشکیل کارگاه هایی در ارتباط با ویژگی های مشارکت و نقش آن در امور اجتماعی و اقتصادی شهر، محله و خانواده انجام گیرد.

با توجه به مطالعات میدانی از مجموع ۳۸۵ نفر از شهروندان و ساکنان محدوده بافت مرکزی سنندج در این پژوهش، ۳۰۲ نفر (۵۰٪) مردان و ۸۳ نفر (۲۱٪) را زنان تشکیل می دهند. این بخش به یافته های توصیفی و تحلیلی منتج از پرسشنامه می پردازیم که ابتدا نماد پاسخ های دریافت شده به تفکیک هر شاخص (برحسب درصد) و نیز ارزش کمی (میانگین) هر گویه بر حسب امتیازدهی از ۱ تا ۵ به رده های کم تا بسیار زیاد، ارائه می شود که خود امکان ارائه ارزش کمی شاخص ها مربوطه را نیز فراهم می سازد. به این ترتیب بر اساس دیدگاه پاسخگویان، میزان نقش هریک از معیارها - زیرمعیارها و نیز متغیرهای سازنده آن قابل تشخیص خواهد بود. از هفت زیرمعیار سنجش و تحلیل راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده با رویکرد سرمایه اجتماعی از نظر معیار سرمایه اجتماعی و مشارکت در نوسازی بافت استفاده شده است، که زیرمعیار «تمایل ساکنین به مشارکت» با میانگینی برابر ۵۸/۳ بیشترین سهم و زیرمعیار «تمایل گروه های سرمایه گذار به مشارکت» با میانگینی برابر ۰۷/۳

کمترین سهم را در برآورد ارزش معیار و شاخص مورد نظر در میان پاسخگویان بر عهده داشته اند. در جدول (۴) قابل مشاهده است.

جدول ۴- تحلیل راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده (درصد)

میانگین (بین ۱-۵)	بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	ابعاد
۳۷/۳	۲/۲۶	۵/۲۳	۱/۲۳	۷/۱۶	۴/۱۰	تمایل ساکنین به مشارکت
۲۲/۳	۳/۱۱	۲/۳۱	۶/۳۲	۱/۱۸	۸/۶	میزان ماندگاری
۳۸/۳	۶/۱۸	۸/۳۴	۱/۲۳	۱/۱۳	۴/۱۰	انسجام اجتماعی
۰۷/۳	۸/۱۱	۷/۳۱	۶/۲۲	۹/۱۹	۱۴	تمایل گروه های سرمایه گذار به مشارکت
۱۱/۳	۸/۱۱	۷/۳۱	۶/۲۲	۹/۱۹	۱۴	تمایل به ادامه سکونت
۵۸/۳	۹/۱۲	۱/۱۶	۹/۲۲	۵/۲۴	۵/۲۹	مشارکت اجتماعی

(مأخذ: نگارنده گان، ۱۳۹۸)

در این پژوهش برای راهکارها از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. برای این منظور هر سطح از درخت ارزش در مدل سنجش تمایل ساکنین به مشارکت و مشارکت اجتماعی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده نسبت به سطح بالاتر رگرسیون گرفته می شود. جهت کمی کردن مدل استفاده شده در محدوده مورد مطالعه نیز از روش مقیاس سازی استفاده شده و نتایج بدست آمده نشان دهنده آن است که کلیه معیارهای به کار رفته در دو سطح سرمایه اجتماعی و مشارکت در نوسازی بافت با متغیرهای سرمایه اجتماعی دارای رابطه معناداری می باشند ($p < 0.05$) در ادامه نتایج بدست آمده از مطالعه کمی بر اساس سرمایه اجتماعی و معیارهای مورد استفاده، از آزمون T تک نمونه های استفاده شده که در جدول شماره (۵) مورد بررسی قرار گرفته است. میانگین امتیاز راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده با رویکرد سرمایه اجتماعی در محدوده مورد مطالعه به صورت کلی ۲.۷۷۹۴ بدست آمده و با توجه به این که طیف لیکرت مورد استفاده در این مطالعه از ۱ تا ۵ می باشد بنابراین عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخ ها انتخاب شده است. نتایج جدول شماره (۵) نیز نشان می دهد و میانه نظری (عدد ۳) اختلاف معناداری وجود دارد ($p < 0.05$).

جدول ۵- نتایج آماری آزمون T یک طرفه راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده

متغیر	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
سرمایه اجتماعی	۳۸۵	۲.۷۷۹۴	۰.۳۱۲۳۲	۰.۰۱۹۳۷

(مأخذ: نگارنده گان، ۱۳۹۸)

بر اساس مدل در سطح دوم، دو معیار «سرمایه اجتماعی»، «مشارکت در نوسازی بافت» به عنوان عوامل موثر بر مشارکت مردمی و سرمایه اجتماعی بررسی قرار گرفته اند. در مرحله سوم نتایج این بررسی نشان دهنده آن است که مطابق جدول شماره (۶) مشخص می گردد که زیرمعیارهای موثر بر افزایش مشارکت مردمی در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده به ترتیب رتبه شامل مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، تمایل ساکنین به مشارکت، تمایل گروه های سرمایه گذار به مشارکت، تمایل به ادامه سکونت، میزان ماندگاری» می باشد.

جدول ۶- اولویت بندی متغیرها در مولفه اجتماعی

رتبه بندی زیرمعیارها	Sig	T	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		زیرمعیارها
			ضرایب بتا	STD ERROR	B	
۳	۰۰۰/۰	۶۹ ۶/۱	۳۰۸/۰	۰۰۰/۰	۱۲۵ ۰/	تمایل ساکنین به مشارکت
۶	۰۰۰/۰	۱۳ ۳/۱	۲۱۴/۰	۰۰۰/۰	۱۲۵ ۰/	میزان ماندگاری
۲	۰۰۰/۰	۸۹ ۵/۱	۳۱۲/۰	۰۰۰/۰	۱۲۵ ۰/	انسجام اجتماعی
۴	۰۰۰/۰	۴۷ ۱/۱	۲۶۹/۰	۰۰۰/۰	۱۲۵ ۰/	تمایل گروه های سرمایه گذار به مشارکت
۵	۰۰۰/۰	۳۵ ۴/۱	۲۲۶/۰	۰۰۰/۰	۱۲۵ ۰/	تمایل به ادامه سکونت
۱	۰۰۰/۰	۹۲ ۵/۱	۳۱۵/۰	۰۰۰/۰	۱۲۵ ۰/	مشارکت اجتماعی

(مأخذ: نگارنده گان، ۱۳۹۸)

فرضیه اول: ارتباط کارکردی معیارهای مشارکت مردمی «سرمایه اجتماعی، مشارکت در ساماندهی و نوسازی بافت» در برنامه های نوسازی بافت فرسوده جهت تحقق راهکارها و اهداف ضروری است.

در دیدگاه کارکردگرا، احیاء بافت قدیم از طریق ساماندهی کالبدی و فضایی فعالیت های مختلف شهر به منظور افزایش کارایی شهر و جلوگیری از بروز بی نظمی و آشفتگی در نظام کالبدی شهر صورت می گیرد؛ بدیهی است که این رویکرد به نقش زمینه ای شهری، ضرورتاً به نوعی نگرش ایستا و یک جانبه می انجامد و ابعاد تاریخی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی بافت شهری را به طور واقعی کمتر مورد توجه قرار می دهد (شماعی و پوراحمد، ۱۳: ۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی را به طور خلاصه می توان به معنای هنجارها و شبکه هایی دانست که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی را به منظور کسب سود متقابل فراهم می کند. سرمایه اجتماعی مجموعه نهادها، قوانین، روشها، عادات اجتماعی، سنت ها و قواعد رفتاری یک جامعه است که مناسبات اجتماعی بین مردم یک جامعه را شکل می دهد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۳۸). یکی از مهمترین موضوعاتی که درباره ی این بافت ها از آن غفلت شده است، استفاده از ظرفیت های سرمایه ی اجتماعی ساکنان است. اهمیت سرمایه ی اجتماعی در ارتباط با ایجاد روحیه ی مشارکت در میان ساکنان بافت های فرسوده ی شهری، انکارناپذیر است؛ به طوری که با شناسایی محلات با سطح سرمایه اجتماعی بالا می توان به اولویت بندی پروژه ای نوسازی بافت های فرسوده ی شهری پرداخت. سطح اعتماد، میزان مشارکت پذیری افراد، انسجام اجتماعی، از مهمترین مؤلفه های سرمایه اجتماعی هستند، که می توان از آنها به عنوان بهترین ابزار برای مشارکت و تسریع در روند نوسازی بافت های فرسوده ی شهری استفاده کرد.

در جهت بررسی این فرضیه ارتباط زیر معیارهایی چون؛ مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، تمایل ساکنین به مشارکت، تمایل گروه های سرمایه گذار به مشارکت، تمایل به ادامه سکونت، میزان ماندگاری مورد بررسی قرار گرفته شده است. درواقع شاخص های کارکرد گرای و مشارکت مردمی با همدیگر مورد تحلیل قرار گرفته است. سیاست نوسازی این بافت ها در ایران عمدتاً سیاست قهری و اقتصاد محور است که چندان به عناصر اجتماعی و فرهنگی این بافت ها توجه نمی کند. این امر از یکطرف منجر به ازبین رفتن بافت اجتماعی و عناصر هویت مند محل و کاهش ارزش آنان شده واز طرف دیگر پالایش جمعیتی و کاهش هویت و حس تعلق محلی را به دنبال داشته است. حال به نظر می رسد نگاه صرفاً اقتصاد محور در قالب رویکرد کارکردگرایی به بهانه استفاده بهینه از زمین

بالا بردن ارزش اقتصادی زمین در صورتی موفق خواهد بود که بتواند بافت های شهری با هدف بهره اقتصادی ناشی از تراکم نوسازی منجر به از هم دریده شدن بافت اجتماعی محل و پالایش جمعیتی آن و افزایش حس غریبگی نشود. بنابراین، با توجه به گستردگی مداخلات به شیوه کارکردگرا در بافتهای فرسوده ایران و اذعان به این که این الگو (کارکردگرا) دارای مزایا و معایبی است که لزوم کاهش آثار منفی آن ضرورتی انکارناپذیر است، به این نتیجه می توان رسید که الگوی ترکیبی مشارکت گرا و کارکرد گرا به صورت توأم و پیوسته که بتواند هم ارزش اقتصادی بافت را بالا برده و بهره وری برای سرمایه گذاران حاصل نماید و هم عناصر وبافت اجتماعی و فرهنگی محل را تقویت و حفظ نماید مورد تایید و رضایت ساکنان و حتی کارشناسان است.

فرضیه دوم: انطباق اهداف و راه کارهای مشارکت مردمی با شرایط وضع موجود در تهیه برنامه های نوسازی بافت فرسوده جهت تحقق و اجرا ضروری است.

شرح خدمات برنامه های ساماندهی و نوسازی بافت های فرسوده شهری (طرح تفصیلی ویژه) این شرح خدمات با هدف اجرایی نمودن اهداف، استراتژی و برنامه های کلان طرح راهبردی بوده و در مقیاس تفصیلی تهیه می گردد اما با شرح خدمات طرح های تفصیلی تیپ تفاوت اساسی دارد هر چند اساس طرح بر همان الگوی (شناخت- تحلیل - طرح) استوار است. این نوع از طرح ها شامل دو بخش مطالعات عمومی و اختصاصی است. مطالعات عمومی بر شناخت وضع و تحلیل وضع موجود استوار بوده و بخش اختصاصی در قالب مطالعات اختصاصی بافت فرسوده دارای ارزش (میراث شهری) و مطالعات اختصاصی بافت فرسوده فاقد ارزش تهیه می گردد (حبیبی، مشکینی، رحیمی کاکه جوب، ۱۳۹۱: ۱۷). تهیه برنامه های نوسازی بافت های فرسوده در نتیجه عدم توفیق طرح های جامع و تفصیلی در حل مسائل و مشکلات روزافزون بافت های شهری با تکیه بر بافت های قدیمی، فرسوده و اسکان های غیر رسمی می باشد. در حال حاضر این طرح ها در سه سطح تهیه می گردند که شامل مطالعات راهبردی در مقیاس شهر، مطالعات تفصیلی در مقیاس حوزه بافت فرسوده و امکانسنجی و تعریف پروژه های محرک توسعه در مقیاس حوزه های مداخله تهیه می شوند. از آنجا که مداخله در بافت های شهری با راهبردها و اهداف مختلف صورت می گیرد و گرایش های سلیقه ای و منافع بخشی و دستگاهی می تواند اینگونه طرح ها را به سمت و سوی مختلفی هدایت کند، چهارچوب حاصله برای بررسی، تصویب، اجرا، و نظارت بر اجرای طرح های بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده و ناکارآمد شهری و سکونتگاه های غیررسمی نشان داده است که شرح خدمات طرح های فوق، فاقد روش های کارآمد در تحققشان بوده است، لذا شرح خدمات این طرح ها نیاز به بازنگری دارد. برای تعیین محدوده های هدف از میان ۱۹ پروژه منتخب در محدود بافت فرسوده سنندج آن دسته از پروژه هایی که بطور مستقیم در ارتباط با مردم هستند و مشارکت آنها نقش تعیین کننده ای در نوسازی دارد اقدام به نظرخواهی از مردم نموده و با استفاده از آن مهمترین پروژه هایی که بیشترین احتمال مشارکت در آنها وجود دارد به ترتیب معرفی گردند جدول زیر پروژه هایی مورد سنجش را نشان می دهد. از میان ۹ پروژه فوق چهار پروژه محدوده چهار باغ، کنارگذر شیخان، بلند مرتبه سازی محدوده تاناکورا و ساماندهی گذر سرتپوله به عنوان محدوده هایی که بیشترین میزان مشارکت در آنها وجود دارد انتخاب شده اند. به طور کلی و به رغم وجود قوانین و مقررات مورد اشاره، طرح های توسعه شهری فعلی و ساز و کارهای اجرایی آنها به دلیل بی توجهی به شرایط ویژه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بافت های آسیب دیده شهری، علاوه بر شرایط ویژه کالبدی آنها نتوانسته اند تأثیر قابل توجهی در احیاء و نوسازی آنها داشته باشند. در تجارب ایران نیز که همواره بر روش اجرای متمرکز معطوف بوده است، بخش اعظم محدوده طرح هدف تملک قرار گرفته و ساخت و ساز از طریق مدیریت بخش دولتی یا عمومی و تا حدودی با مشارکت بخش خصوصی صورت گرفته است. این بدان معنی است که ساکنان اولیه بافت در هیچ یک از مراحل حضور نداشته و صرفاً ناظر اقدامات صورت گرفته بوده اند. لذا منافع طرح اعم از سود اقتصادی و ارتقای کیفیت سکونت نیز شامل حال آنان نشده و اغلب قریب به اتفاق بهره برداران از فضاهای ساخته شده، گروه هایی غیر از ساکنان موجود و اولیه بافت بوده اند. در بررسی تجارب نوسازی، موضوعات مهمی وجود دارد که توجه به آنها به شرح زیر ضروری به نظر می رسد:

نارسایی قوانین جاری؛ تحقق طرح های نوسازی که از یکسو با پیچیدگی های ناشی از حقوق مالکیت و از سوی دیگر با فعل و انفعالات گسترده مالی مواجه است، به قوانین ویژه ای نیاز دارد و این در حالی است که هنوز در کشور قوانین جامع و متناسب با پیچیدگی های موضوع تدوین و تصویب نشده است. عدم استفاده از توابع نوین برنامه ریزی (طراحی چشم انداز - اهداف آرمانی - اهداف کیفی - استراتژی - سیاست ها - برنامه عملیاتی). عدم توزیع ارزش افزوده ناشی از نوسازی بین ساکنان؛ نوسازی بافت های آسیب دیده به دلیل ایجاد ظرفیت های جدید اقتصادی یا ارتقاء شرایط اقتصادی در بافت، همواره تضمین کننده ارزش افزوده مناسبی می باشد که به صورت طبیعی و منطقی بایستی بین همه ذینفعان به ویژه بین ساکنان آنها توزیع شود، اما به دلیل رویکرد متمرکز اجرای طرح و تملک کل محدوده، ساکنان موجود تخلیه شده و سود حاصل از اقدامات اجرایی عاید مجریان و سرمایه گذاران گردیده است.

۷- نتیجه گیری

مهمترین مانع تحقق مشارکت مردمی در بافت های ساماندهی و نوسازی بافت های فرسوده شهری و توجه به سرمایه اجتماعی، موانعی است که به ابعاد فرهنگی و اجتماعی مردم ساکن در این بافت ها بازمی گردد؛ به عبارتی دیگر، اگر ساکنان این قبیل بافت ها به لحاظ رویکردی با مدیریت ساماندهی و نوسازی همسو نباشند، برنامه های نوسازی در اجرا با موفقیت روبه رو نخواهد شد. با توجه به بررسی های انجام شده از مشارکت مردمی برنامه های ساماندهی و نوسازی بافت های فرسوده، این گونه برآورد می گردد که باید با دیدی جدید و متفاوت از قبل به آنها نگاه کرد و برای یک عنصر اساسی در این زمینه که سرمایه اجتماعی و مشارکت آنهاست، اهمیت بیشتر قائل گردید، زیرا صاحبان واقعی این بافت ها خود مردم هستند. بنابراین، مسؤلان و متصدیان این امر باید فکر تملک را از ذهن خود خارج کنند و در این زمینه مشاوران باید با مردم ساکن در بافت فرسوده در ارتباط باشند و با مردم که بهره مندان این برنامه ها هستند، مرتب صحبت کنند، زیرا هیچ گروه و ارگانی به اندازه خود این ساکنان از وضعیت ناخبر نبوده و با مشکلات واقعی بافت فرسوده برخورد نداشته اند همچنین اگر مردم ساکن در بافت های فرسوده آگاه شوند که قانون از آنها چه حمایت هایی می کند، مشتاقانه تر در اجرای برنامه ها مشارکت می کنند.

با توجه به مباحث مطروحه فرضیه اول پژوهش بیان می دارد که با توجه به گستردگی مداخلات به شیوه کارکردگرا در بافت های فرسوده ایران و اذعان به این که این الگو (کارکردگرا) دارای مزایا و معایبی است که لزوم کاهش آثار منفی آن ضرورتی انکار ناپذیر است، به این نتیجه می توان رسید. که زیر معیارهایی چون؛ مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، تمایل ساکنین به مشارکت، تمایل گروه های سرمایه گذار به مشارکت، تمایل به ادامه سکونت، میزان ماندگاری داداری اهمیت بوده و در واقع شاخص های کارکرد گرای و مشارکت مردمی توجیه پذیری می کند. بنابراین، با توجه به گستردگی مداخلات به شیوه کارکردگرا در بافتهای فرسوده ایران و اذعان به این که این الگو (کارکردگرا) دارای مزایا و معایبی است که لزوم کاهش آثار منفی آن ضرورتی انکار ناپذیر است، به این نتیجه می توان رسید که الگوی ترکیبی مشارکت گرا و کارکرد گرا به صورت توأم و پیوسته که بتواند هم مشارکت اجتماعی را بالا برده و بهره وری برای سرمایه گذاران حاصل نماید و هم عناصر وبافت اجتماعی و فرهنگی محل را تقویت و حفظ نماید مورد تایید و رضایت ساکنان و حتی کارشناسان است.

فرضیه دوم به این نتیجه گیری دست می یابد؛ از آنجا که مداخله در نوسازی بافت های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی و اهداف مختلف صورت می گیرد و گرایش های سلیقه ای و منافع بخشی و دستگامی می تواند اینگونه طرح ها را به سمت و سوی مختلفی هدایت کند، چهارچوب حاصله برای بررسی، تصویب، اجرا، و نظارت بر اجرای طرح های نوسازی بافت های فرسوده نشان داده است که برنامه های نوسازی بافت فرسوده بدون بهره مندی از سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی فاقد کارآمدی در تحققشان بوده است. با توجه به اینکه مهمترین اهداف دنبال شده توسط برنامه های ساماندهی و نوسازی بافت های فرسوده به برنامه ریزی

کلی فضایی - کالبدی محدوده های هدف و استفاده از نتایج آن به منظور فراهم آوردن مقدمات امکان سنجی اقتصادی - اجتماعی بر می گردد. بنابراین اصلاح و ساماندهی بافت فرسوده شهر سنندج و ایجاد جریان نوسازی در کل بافت، از مهمترین راهبرد ها و اهداف در ساماندهی و نوسازی بافت فرسوده شهر سنندج است. راهکار اجرایی برای نیل به این اهداف و راهبردها اجرای پروژه های پیشتاز برای الگوسازی و تشویق مردم به تکرار این الگوها است. موقعیت پروژه ها بایستی به گونه ای تعیین گردد که در محدوده بافت فرسوده تبعات اجتماعی و محیطی منفی نداشته باشد و حداکثر تأثیر را برای زمینه سازی در جهت مشارکت مردمی، زمینه های سرمایه گذاری و اشاعه و ترویج جریان نوسازی در بافت به همراه داشته باشد. اما علی‌رغم این که در رسانه‌ها خبر از رونق ساخت‌وساز ناشی از این راهبردها و اهداف در این نوسازی بافت فرسوده شهری دیده می‌شود، مشاهدات میدانی حاکی از این است که مسایل اجتماعی و اقتصادی شهروندان ساکن در این بافت‌ها لاینحل باقی مانده است. بنابراین لزوم رویکردی انتقادی به مسأله بافت‌های به اصطلاح فرسوده شهری ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان نیروها و روابط تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری‌های مرتبط با این بافت‌های شهری را افشاء کند و امکانات بدیل واقعاً موجود را نه از خلال مباحث نظری بلکه از بسترها و زمینه‌های موجود در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی بیرون بکشد و بتواند بسترهای لازم برای تحقق دموکراتیزه شدن فرآیند تولید (و مصرف) فضای شهری را فراهم نماید. عدم تلفیق مطالعات مختلف در راستای تبدیل آنها به ما به ازای کالبدی برای شکل‌گیری و وقوع عناصر غیر کالبدی شناسایی جایگاه محدوده پژوهش در طرح های بالادست می بایستی علاوه بر انتقال مواردی چون سیاست های جمعیتی، کاربری، رده عملکردی، نظام تقسیمات شهری، در راستای برقراری ارتباط مجدد محدوده با کلیت شهر و نیز شناسایی پتانسیل های توسعه آتی بافت و خدمت رسانی به شهر صورت بگیرد، لذا شناسایی تنها کافی نیست و نحوه استفاده از آن مطالعات باید مطرح گردد.

۱-۷-پیشنهادهات

- تهیه بسته های اقتصادی و تشویقی
- توجه به خواست مردم و ساکنان
- استفاده از گروه های محلی در راستای انسجام بخشی کارکردی و مشارکتی
- تقویت محورهای اجتماعی فرهنگی بافت های فرسوده
- استفاده از بخش خصوصی و سازمان های مردم نهاد.

۸-فهرست منابع

- ۱- آقاصفیری، عارف، حاتمی نژاد، حسین، پوراحمد، احمد، رهنمایی، محمدتقی، منصور، سیدامیر، کلانتری خلیل آباد، حسین، (۱۳۸۹). بررسی نوسازی و بهسازی بافت فرسوده محله شهید خوب بخت تهران، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، دوره ۱، شماره ۱؛ ص ۷۱-۵۱.
- ۲- اکبرپور، محمد؛ پوراحمد، احمد؛ عمرانزاده، بهزاد (۱۳۹۰). ارزیابی میزان مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده. نمونه موردی: محله سیروس تهران» فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دوره ۱۶، شماره ۱.
- ۳- جباری، حبیب و حسن زاده، داود، (۱۳۸۷). مداخله در بافت های فرسوده شهری و چالشهای پیش رو، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری، مشهد، ۲۰، ص ۸۷.
- ۴- جهانیان منوچهر، پژوهان موسی. (۱۳۹۰). بررسی و طبقه بندی انواع بافت های فرسوده شهری کلانشهر تهران و راهکارهای مداخله در آن. نگرش های نو در جغرافیای انسانی. ۳(۲). ۹۳-۱۰۶.
- ۵- حبیبی، کیومرث، مشکینی، ابوالفضل، رحیمی کاکه جوب، آرمان. (۱۳۹۱). همسان سازی شرح خدمات تهیه طرحهای بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری و ارائه شرح خدمات و طرح پیشنهادی جدید. هفت شهر، ۳(شماره ۳۹ و ۴۰)، ۲۷.
- ۶- درودی، محمدهادی، خوشاب، علی (۱۳۹۳). ارزیابی و تحلیل شاخصهای تعیین محدوده بافت‌های فرسوده شهری در ایران، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد.

- ۷- داودپور، زهرا (۱۳۹۰). بازسازی و نوسازی مناطق روستایی ناخوشایند به عنوان یک استراتژی برای دستیابی به ابعاد فیزیکی توسعه پایدار شهری، مجله سیستم مدیریت، ۱۵، صص ۳۱-۵۹.
- ۸- ریسمانچیان امید، بل سایمون (۱۳۹۰). بررسی جدا افتادگی فضایی بافت های فرسوده در ساختار شهر تهران به روش چیدمان فضا، باغ نظر، (۱۷۸)، ۶۹-۸۰.
- ۹- رهنما، محمدرحیم (۱۳۷۵). معرفی و ارزیابی تئوری اصلتبخشی در فرایند احیای بافتهای قدیم شهر بنمونه: محله سرشور مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مشهد، شماره پیاپی ۴۲.
- ۸- رفیعیان، محسن، بمانیان، محمدرضا و مجتبی رفیعیان (۱۳۹۰). شناسایی پهنه های زمینه ساز توسعه خلاق بافت های فرسوده با رویکرد گردشگری در برنامه ریزی شهری نمونه موردی محله امامزاده یحیی، ناحیه ۲، منطقه ۲۲ شهرداری، تهران، نشریه مدیریت شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، شماره ۱۰، صص ۱۹۰.
- ۹- رجبی، آریتا (۱۳۹۰). شیوه های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه شهری، آمایش محیط، ملایر، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۱۰۱-۱۱۶.
- ۱۰- زبیری، کرمانالله و همکاران. (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی سیاستهای بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری. فصلنامه جغرافیای انسانی، سال ۲، شماره ۱، صص ۴۵-۵۸.
- ۱۱- سنگیسه ای، سجاد، احدنژاد، محسن، روستایی، شهرپور (۱۳۹۱). آسیب شناسی مداخله در نوسازی بافتهای قدیمی و فرسوده مطالعه ی موردی محله ی فیض آباد. فضای جغرافیایی، شماره ۳۷، صص ۹۹.
- ۱۲- سجادی، ژیا؛ پورموسوی، سیدموسی؛ اسکندرپور، مجید (۱۳۹۰). بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی مطالعه موردی محله دولاب تهران. فصلنامه آمایش محیط، دوره ۴.
- ۱۳- شماعی علی، پوراحمد احمد. (۱۳۸۴). تحلیلی بر سیاست ها و برنامه های بهسازی و نوسازی شهری در برنامه های توسعه کشور، پژوهشهای جغرافیایی، ۳۶ (۴۹)، ۱۷۹-۲۰۲.
- ۱۴- صابر، الهه و سمیه احمدی نژاد. (۱۳۹۰). آسیب شناسی بافتهای فرسوده شهر (موانع، کاستی ها، راهکارها). همایش ملی شناسایی و تبیین راهکارهای تحقق جهاد اقتصادی در شهرداریها، شیراز. شهرداری شیراز.
- ۱۵- علیوردی نیا، اکبر؛ شارع پور، محمود، موزمبار، مهدی (۱۳۸۷). سرمایه ی اجتماعی خانواده و بزهدکاری، پژوهش زنان، دوره ۱ شماره ۲، تابستان ۱۱۳.
- ۱۶- عباس زادگان، مصطفی. (۱۳۸۳). بافت های فرسوده درون شهری -چالش ها و راهبردها، همایش توسعه محله ای چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. تهران.
- ۱۷- فلامکی، محمد مهدی (۱۳۸۴). باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- فنی، زهره و صادقی، یدالله (۱۳۸۸). توانمندسازی حاشیه نشینان در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، فصلنامه جغرافیا آمایش، شماره ۷، صص ۶۱.
- ۱۹- لطفی، صدیق؛ ملکشاهی، غلامرضا؛ مهدوی، مهدیه (۱۳۸۹). برنامه ریزی راهبردی به منظور بهسازی بافت های فرسوده شهری نمونه مورد مطالعه: شهر بابل، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره اول.
- ۲۰- مهندسین مشاور شارمند (۱۳۷۸). شیوه های تحقق طرح های توسعه شهری، بررسی تجارب و اجرای طرح های توسعه شهری در جهان، جلد ۱، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، صص ۶۵.
- ۲۱- مهندسین مشاور فجر توسعه (۱۳۸۸). طرح نوسازی و بهسازی بافت فرسوده شهر سنج، کارفرما شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران.
- ۲۲- میرکتولی، جعفر، علیپور، عباس، حسینی، عباسعلی. (۱۳۹۱). بررسی اثر سیاستهای حمایتی دولت در مدیریت توسعه بافتهای قدیمی و فرسوده شهری مطالعه موردی: شهر بهشهر فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، سال ۲، شماره ۵، صص ۳۷-۵۶.
- ۲۳- محمدی کلاه، رضویان محمدتقی، صرافی مظفر، غلامحسینی اسماعیل. (۱۳۹۳). شراکت بخش های عمومی - خصوصی در نوسازی بافت های فرسوده منطقه ۹ شهرداری تهران، اقتصاد و مدیریت شهری، ۲ (۸)، ۱۰۹-۱۲۷.
- ۲۴- محمدیان، فارن. (۱۳۹۵). سیر تحولات برنامه های بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری در توسعه کشور، سومین کنفرانس بین المللی تحقیقات در عمران، معماری و شهرسازی و محیط زیست پایدار، رم، موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویر.
- ۲۵- میرسار دو، طاهره، حسینی، موسی (۱۳۸۹). بررسی نقش مشارکتهای مردمی در پیشگیری از سرقت منازل، پژوهش نامه علوم اجتماعی، شماره چهارم.
- ۲۶- موسوی، سید احمد (۱۳۸۵). برنامه ریزی توسعه محله ای با تأکید بر سرمایه اجتماعی مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۲۷- محمدی، حسین، تعالی مقدم، آزاده، بستام، مرتضی، (۱۳۹۰). برآورد سرمایه اجتماعی در مناطق مختلف شهر مشهد و ارائه راهکارها جهت ارتقاء آن در راستای وظایف شهرداری: فصلنامه مدیریت شهری، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ۲۵۸-۲۳۷.

28- Alvin, Boskoff, (1970), **The sociology of urban region**, Meredith corporation U.S.A.

29- Bourdieu, P.(1986). **The Forms of Capital**. Theory and Research for Sociology of Education. Greenwood Press.

- 30- Carpenter, Juliet & Mateu, Measuring(2008). "**Social Sustainability: Best Practice from Urban Renewal in the EU**, oxford BROOKES university, February.
- 31- Dinik, M., Mitkovic, P., Velev, J. and Bogdanoic, I. (2008), **Application of the urban reconstruction method in the central area of Nis**, Architecture and and Civil Engineering ,6, 127-138.
- 32- Bourdieu, P.(1986). **The Forms of Capital**. Theory and Research for Sociology of Education. Greenwood Press.
- 33- Fukuyama, F. (2002). **Social Capital and Development: the Coming Agera**. SAIS Review. 22(1): 23-37.
- 34-Habibi, K., A., Pourahmad, A., Meshkini, (2013): **Urban Rehabilitation & Renovation in the Old Textures**, 4th edition, Entekhab Press, Tehran. (in Persian).
- 35-Innes, Judith and E. Booher, David (2004) "**Reframing Public Participation, Strategies for the 21st Century**", Planning Theory & Practice, Volume 5, No. 4, pp. 419-436.
- 36-López, J. C., Ruiz, F. J., Feder, J., Barbero-Rubio, A., Suárez-Aguirre, J., Rodríguez, J. A., & Luciano, C. (2010). **The role of experiential avoidance in the performance on a high cognitive demand task**. International Journal of Psychology and Psychological Therapy, 10, 475-488.
- 37-Loosim, (1996), **Urban conservation policy and the preservation of historical and cultural heritage cities**, vol. 13. No.6. 38.
- 38-Nil uzun,(2003), **The Impact of urban Renewal and Gentrification on Urban Fabric: Three Cases in Turkey**.
- 39-Onyx, J., Bullen, P. (2000). "**Sources of social capital**". In I. winter (Ed), social capital and public policy in Australia (pp. 105 – 134). Melbourne: Australian Institute of family studies.
- 40-Putnam, R. (2000), **Bowling alone: the collapse and revival of American community**, new York: simon and Schuster, p 134-137.
- 41-Roffes, Merlin, Naido, Vino, Miyre, Mike and McAllah, John Alexandra (2016): **An example of urban redevelopment studies**,Critical Translation and Cryptography, Raheleh and Jamshidi, Javad, Online Modernization Journal, Sixth Year, No. 32, 1-13, Tehran Renovation Organization, Tehran, Iran.p 2.
- 42-Rosemary D. F. Bromley, Andrew R. Tallon and Colin j. Thomas (2005), **City center regeneration through residential development**: Contributing to sustainability, Urban Studies, Vol 42, No 13.
- 43-Sanoff, Henry, (2000), "**Community Participation Methods in Design and Planning**", John Wiley & Sons, INC.
- 44-Suzy nelson,publish online (2009), **The Nature of Partnership in Urban Renewal in Paris and London**.
- 45-Svendsa. A (2006). **Foundations of social theory** . Cambridge mass: Harvard university press.
- 46-Smith, Bruce (2003) **Public Policy and Public Participation Engaging Citizens and Community in the Development of Public Policy**, BLSmith Groupwork Inc.
- 47-Coleman, J. S. (1988). **Social capital in the creation of human capital**. American journal of sociology, 94, S95-S120.
- 48-Woolcoke (2003), **Diversity as oppoutunity and challeng**: th role of social capital theory, evidence and policy, presentation to the policy Research Initiative conference, Monereal.